



فیش منبر

امام زمان علیه السلام

نیمه شعبان ليله القدر اهل بیت



کانال فیش منبر و مرثیه درایتا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

حضرت آیت الله جوادی آملی در نوشتاری ضمن اشاره به جایگاه و ارزش نیمه شعبان آورده اند: حضرت ولی عصر (عج) و آخرین حجت الهی که خیر اهل الارض زمان ماست، در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه. ق) چشم به جهان گشودند و این شب مبارک که میلاد موفور السرور آن حضرت است، احتمال دارد شب قدر نیز باشد، همان گونه که به برخی اعمال لیالی قدر در این شب نیز سفارش گردیده است. ۲

نیمه شعبان، شب مبارکی است که در فضائل شباهت بسیاری به لیالی قدر دارد و همان گونه که در برتری شب های قدر فرموده اند که «فَإِنَّهَا لَيْلَةُ آلِي اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَّا يَرُدُّ سَائِلًا لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً». ۳ در فضیلت شب نیمه شعبان نیز نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خداوند در شب نیمه





شعبان به اندازه موی گوسفندان قبیله بنی کلب
بندگان را می‌آمرزد: یَغْفِرُ اللَّهُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ
مِنْ خَلْقِهِ بِقَدَرِ شَعْرِ مَعْزَى بَنِي كَلْبٍ ۴ و این سخن،
کنایه از فراوانی آمرزیده شدگان در آن شب مبارک
است.

کلام نورانی دیگری از امام صادق (علیه السلام) نشان
می‌دهد نیمه شعبان نیز در حدّ خویش، شب قدر و
واجد یکی از درجات تقدیر امور است. ایشان در
برابری این سنت با لیالی مبارکه قدر فرمود: «أَنَّهَا اللَّيْلَةُ
الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِإِزَاءِ مَا جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ
لِنَبِيِّنَا صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» ۵؛ همان‌طور که
خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شب قدر
مرحمت فرمود، به ما اهل بیت نیز نیمه شعبان را عطا
کرد.

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ پرسشی درباره فضیلت شب نیمه شعبان فرمود که با فضیلت ترین شب پس از لیلة القدر شب نیمه شعبان است که خداوند در این شب فضل خویش را بر بندگانش ارزانی می دارد و با من و کرم خود آنان را می آمرزد، پس برای نزدیکی به خدای سبحان در این شب بکوشید چون خداوند سوگند یاد کرده است که هیچ سائلی را تا وقتی که امر ناپسند و گناهی نخواستہ است محروم نگرداند: هی افضل لیلة بعد لیلة القدر؛ فیها یمنح الله تعالی العباد فضله و یغفر لهم بمنه. فاجتهدوا فی القربة إلی الله (تعالی) فیها، فإنّها لیلة آلی الله تعالی علی نفسه ألا یرد سائلاً له فیها، ما لم یسئل معصیة و ... فاجتهدوا فی الدعاء و الثناء علی الله (عزّ وجلّ). ۶

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز شب نیمه شعبان به عایشه فرمود که در نیمه شعبان اجلها نوشته و ارزاق قسمت می گردد و خدای عزّ وجلّ در این شب بیش از موهای بزهای قبیله بنی کلب، بندگانش را می آمرزد و فرشتگان را به آسمان دنیا و از آنجا به زمین نازل می کند و در این نزول ابتدا در مکه فرود می آیند: اما تعلّمین أیّ لیلۀ هذه؟ إنّ هذه اللیلۀ لیلۀ النصف من شعبان؛ فیها یکتب اّجال و فیها تقسم أرزاق و إنّ الله (عزّوجلّ) (لیغفر فی هذه اللیلۀ من خلقه أكثر من عدد شعر معزی بنی کلب و ینزل الله (عزّوجلّ) ملائکةً إلی السماء الدنیا و إلی الأرض بمکة.

۷

*راز همتایی ليله ميلاد امام زمان(عج) با شب قدر

انسان کامل معصوم که مصادیق منحصر آن عترت طاهره اند عدل و همتای قرآن حکیم است و براساس حدیث متواتر ثقلین به هیچ وجه از یکدیگر جدایی نمی پذیرند. قرآن تجلّی کتاب تدوینی خدا و انسان کامل معصوم تجلّی کتاب تکوینی اوست. همان طور که با نزول قرآن در ظرف زمانی معین، آن ظرف معهود، قدر یافته و شب قدر می شود، با تجلّی امام معصوم و تنزلش از مخزن غیب الهی در ظرف زمان معین، آن ظرف شخصی قدر پیدا می کند و شب قدر می شود، زیرا هرچند ممکن است زمان و زمین به واسطه صدورشان از منبع غیب الهی حَظّی از قداست داشته باشند؛ اما آنچه مایه شرافت زمان است همانا متزَمّن و آنچه مایه فخر مکان است همانا متمکّن است.



بر طبق این بیان جامع، میلاد ولی معصومی که معادل قرآن مجید است، حقیقت او و نبوت یا امامت او مستلزم شب قدر شدن خواهد بود. و بر همین اساس آنچه درباره حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا (علیها السلام) و نیز درباره میلاد حضرت خاتم الاولیاء (عج) مبنی بر تطابق حقیقت آن ذوات مبارک با لیلة القدر یا معرفی میلاد آنان به عنوان شب قدر مطرح می گردد، از سنخ تمثیل است نه تعیین، همچنان که در دعای شب مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخن از جریان تجلی اعظم به میان می آید:

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بالتَّجَلِّیِّ الْاَعْظَمِ فِیْ هَذِهِ اللَّیْلَةِ مِنْ الشَّهْرِ الْمَعْظَمِّ وَالْمَرْسَلِ الْمَكْرَمِّ. ۸

روایات معصومان (علیهم السلام) نیز گویای تبیین پیوند ناگسستنی قرآن و عترت اند و همسو با حدیث ثقلین،

گواه جدایی ناپذیری این دو حقیقت و احکام آن‌ها از یکدیگرند. همین پیوستگی در مقام معرفت نیز جریان دارد. ائمه (علیهم السلام) برای معرفی خود از قرآن کمک می‌گیرند و برای شناساندن قرآن از حقیقت خودشان سخن می‌گویند، زیرا هیچ یک را بی‌دیگری نمی‌توان شناخت.

از آنجا که حضرت خاتم الاوصیاء حجه بن الحسن المهدی (عج) عصاره فضائل اهل بیت وحی (علیهم السلام) بلکه تمام انسان‌های کامل است، ظرف زمانی تجلی او از مخزن غیب الهی در نشئه ملک در میان سایر ایام مبارک و موالید حجج الهی (علیهم السلام) برجستگی خاص و ویژه‌ای یافته است که در پرتو آن هم‌طراز لیالی قدر، بلکه شبی از شب‌های محتمل قدر به شمار می‌آید.



گویا در عصر ما که زمان ولایت آن آخرین ولی معصوم است، مقدرات عالم در مراتبی رقم می خورد که از شب میلاد آن حضرت در نیمه شعبان آغاز گردیده و در شب های ماه مبارک رمضان یکی پس از دیگری تثبیت می شود.

*عید میلاد امام عصر(عج)

قرآن کریم بزرگداشت و گرامیداشت آیات خدا را از نشانه های تقوای قلوب و صفات متقیان می داند: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعْرَةَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ ۹ و وجود گرامی امام معصوم از برترین آیات، نشانه ها و شعائر آن ذوات قدسی الهی است و تکریم و بزرگداشت در ایام میلاد یا شهادت، مصداق تعظیم شعائر خدای سبحان است؛ اما در بزرگداشت ائمه هدایت به ویژه امام عصر(عج) کاری شایسته انجام است که در پرتو



آن، کشور امام زمان (عج) تا ظهور حضرتش به قدر امکان از خطرهای مصون بماند.



*برخی اعمال با نیمه شعبان سنخیت ندارد

برخی از اعمال که در این اعیاد شریف صورت می‌پذیرد، مانند تهیه کیک‌های بزرگ، چراغانی‌های زیبا و شادباش گفتن، در برخی موارد کاملاً بی‌ارتباط به میلاد شریف عصاره هستی است، به گونه‌ای که در چین کمونیست، ژاپن یا سایر ممالک الحادی و در عیدهای موهوم و بی‌اساسی که هیچ بهره‌ای از حقیقت ندارند، این اعمال انجام می‌شود، در حالی که باید این جشن‌های بزرگ و ایام خجسته را به برنامه‌ها و اعمالی زینت داد که با مولود آن عید پیوند داشته باشند و چون از دستاوردهای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (عج) بلوغ عقول انسان‌ها و کشف گنجینه‌های

فهم بشر است، در چنین روزهایی خجسته سزااست به اموری پرداخته شود که رشد و تکامل فهم و عقل انسان‌ها و منتظران آن حضرت را تأمین می‌کند. آنجا که تلاش برای فهم و رشد عقل صورت می‌گیرد، شایسته بزرگداشت عید میلاد حجة بن الحسن (علیه السلام) و جایگاه اهل انتظار است.

* راه معرفت امام زمان (عج)

غیبت امام زمان همواره مسئله‌ای مهم، معتبر و اصیل بوده است، به گونه‌ای که همه معصومان (علیهم السلام) از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تا امام عسکری (علیه السلام) بارها به وجود مبارک ایشان و ویژگی‌هایشان اشاره فرموده‌اند. روایات مجامع روایی شیعه و غیر شیعه در این باره نه از حد استفاضه بلکه از تواتر متعارف نیز فزون‌تر است.

محمد بن عثمان عَمَری ۱۰ می گوید: از پدرم شنیدم که در خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) بودم که پدرم پرسید: این سخن حق است که پیامبر ص فرموده‌اند: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؟ فرمود: آری، این سخن درست است و هیچ تردیدی در آن نیست، همان‌طور که شکی در روز بودن این روز روشن نیست: إن هذا حق کما أن النهار حق؛ سپس پدرم عرض کرد: پس از اینکه شما رحلت کردید، امام بعد از شما کیست؟ امام عسکری (علیه السلام) به نام مبارک حضرت ولی عصر (عج) اشاره کرد و آن‌گاه فرمود: او غیبتی طولانی دارد که در آن عده‌ای سرگردان، گروهی هلاک و دسته‌ای دچار تردید می‌شوند: اما ان له غیبة یحار فیها الجاهلون و یهلك فیها المبطلون و ... ۱۱

مناسبتی

بر این اساس، غیبت ولی عصر (عج) برای بسیاری دشوار می آید و شکوک و شبهات اذهان بسیاری را مسموم می کند و عده ای می گویند که چگونه می شود انسانی بیش از هزار سال زنده بماند و گروهی سخن می رانند که از کجا معلوم است که بیاید و کسان دیگر شبهات دیگری، ساده تر یا پیچیده تر را در اذهان می پرورند و آن را می پراکنند.

از سویی دیگر، زمان ظهور وجود مبارک بقیه الله الاعظم (عج) معلوم نیست گرچه ما باید همواره منتظر ظهور خجسته حضرتشان باشیم و امکان دارد خدای نخواستہ غیبت ایشان طولانی شود و تردیدها، شکوک و شبهه ها نیز افزایش یابد! چه کنیم تا به این تردیدها در ابعاد فردی یا اجتماعی مبتلا نشویم؟ درباره مسائل و مباحث دینی، به ویژه چالش های فرا روی حکومت

اسلامی نظیر مبحث ولایت فقیه، به دام قرائت‌های مختلف گرفتار نیاییم؟ در باتلاق شبهات فرو نرویم و با شناخت اصیل امام و امامت مشکلات موجود در این زمان را باز شناخته و بگشاییم؟

شناخت ولی خدا و امام عصر (عج) تنها راه نجات و رستگاری است که با درخواست از ذات اقدس خداوند و مجاهده علمی و عملی شدنی است.

وعده نجات از جهالت و رهایی از ظلمت گمراهی، دل انسان‌های بصیر را از دیرباز به خود مشغول داشته است، به همین سبب بعضی شاگردان خاص اهل بیت (علیهم‌السلام) برای یافتن طریق هدایت سؤالاتی درباره معرفت آخرین حجت الهی در محضر ایشان مطرح کرده‌اند، چنان‌که جناب زراره می‌گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: قائم ما پیش از قیام خود،



غیبتی طولانی خواهد داشت. عرض کردم: چرا؟
فرمود: اگر ظاهر باشد او را می‌کشند؛ سپس فرمود: ای
زراره! اوست که انتظارش را می‌کشند و مردم در
ولادتش شک می‌کنند؛ برخی می‌گویند پدرش از دنیا
رفته و فرزندى از خود به جای نگذارده است؛ بعضی
گویند در شکم مادرش است؛ گروهی گویند غائب
است؛ دسته‌ای گویند به دنیا نیامده و عده‌ای دیگر
گویند دو سال قبل از وفات پدرش به دنیا آمد! همان،
موعود منتظر است؛ ولی خدای والا می‌خواهد تا شیعیان
را بیازماید و در این آزمایش دشوار، باطل‌گرایان دچار
تردید می‌شوند.

زراره (که گویا از چنین فضای پر شبهه‌ای هراسناک
گردید، و به فکر چاره افتاده) گوید: به امام
صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایتان شوم! اگر من



در آن زمان بودم چه کنم؟ آن حضرت فرمود: اگر آن زمان را ادراک کردی، پیوسته دل به این دعا مشغول دار: **اللّٰهُمَّ! عَرِّفْنِيْ نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللّٰهُمَّ! عَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ. اللّٰهُمَّ! عَرِّفْنِيْ حَجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعَرِّفْنِيْ حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ .**

۱۲

دعا تنها مجموعه‌ای از الفاظ برای خواندن و درخواست کردن نیست، بلکه معارف عمیق و درس‌های ارزشمندی در دعای معصومان (علیهم‌السلام) نهفته است که فهم آن‌ها و تأمل در آموزه‌هایشان آثار ارزشمند علمی و عملی به بار می‌آورد، چنان که زراره در پی آن است با این درس گرانقدر مشکل خویش را بگشاید.

برای شناخت مقام والای امامت و شخصیت منحصر به فرد امام عصر (عج) راه‌های فراوانی هست؛ بررسی دعاها و زیارت‌هایی که از خود امام عصر (عج) رسیده و یا فرموده امامان دیگر (علیهم‌السلام) درباره آن حضرت است از بهترین این راه‌هاست.

همان‌گونه که تأمل در عبارات نهج البلاغه، سخنان سید الشهدا (علیه‌السلام) از آغاز تا پایان حادثه کربلا، معارف بلند صحیفه سجادیه گویای برنامه‌های امام علی، امام حسین و امام سجاد (علیهم‌السلام) اند و از ایجاد حوزه‌های علمی و برگزاری مناظرات علمی برنامه صادقین (علیهما‌السلام) (استنباط می‌گردد، از ادعیه مأثور یا مرتبط با امام عصر (عج) برنامه‌های ایشان فهمیده می‌شود؛ زیرا وقتی امامی دعا می‌کند، علاوه بر مقتضیات دعا، ویژگی‌های امامت و وظیفه امام





در برابر اُمّت و چگونگی پیوند امام با اُمّت و تأثیر
ملکی و ملکوتی امام را تشریح می‌کند.

بر این پایه، کسی که می‌خواهد وجود مبارک ولی
عصر(عج) را بشناسد، بهتر است زیارت‌ها و دعا‌های
مرتبط با آن حضرت را به دقّت بررسی کند، تا به
حریم معرفت آن امام همام بار یابد.

از سوی دیگر، شناخت امام زمان(عج) مراتبی دارد که
تأثیرگذاری آنها در زدودن غبار جاهلیت و پاک کردن
گرد تحجّر و ارتجاع یکسان نیست، زیرا آثار هر
مرتبه از معرفت در تبیین انتظار حقیقی و صحیح، با
مرتبه دیگر متفاوت است؛ مثلاً شناخت شناسنامه‌ای
امام عصر(عج) و دانستن تاریخ ولادت و زمان غیبت
صغرا و کبرا و امثال آن، هرگز همانند معرفت معنای
حقیقی امامت و شناخت حقیقت ولایت و انطباق

انحصاری آن شخصیت حقوقی در فلان شخص حقیقی نخواهد بود؛ همان طور که براهین حدوث، نظم، امکان ماهوی، امکان فقری و نظایر آن‌ها برای شناخت خدا راهگشاست؛ اما آن که خدا را با الوهیت می‌شناسد، بهترین راه معرفت خداوند را پیموده و خداشناس خوبی شده است؛ و نظیر اینکه هرچند شناخت رسول از راه معجزه [کافی است؛ ولی] مرتبه بالای معرفت را تأمین نمی‌کند؛ اما آن که رسول را با علم به رسالت می‌شناسد، از معرفت آن حضرت به سبب معجزه بی‌نیاز می‌شود، چرا که وقتی معنی الوهیت و رسالت فهمیده شد، خداوند و رسول شناخته می‌شوند.

در روایت کلینی و صدوق است که ولی امر با این خصوصیات شناخته می‌شود: اعرفوا الله بالله و الرسول بالرسالة و أولى الامر بالأمر بالمعروف و العدل و



الاحسان ۱۳؛ اما این نقل کافی نیست، زیرا هرگز با صرف امر به معروف و عدل و احسان نمی‌توان ولی امر را شناخت، چون آمران به معروف و... بسیارند، به همین سبب در نقل دیگری فرمود: ... بالمعروف و العدل و الاحسان ۱۴ نه «بالأمر بالمعروف»، زیرا امام با معروف، عدل و احسان شناخته می‌شود نه با امر به آنها. آن که ولی خداست و ولایت امر را بر عهده دارد به دستور دادن به معروف، عدل و احسان بسنده نمی‌کند بلکه سنت او معروف و سیرتش عدل و سریره او احسان است.

اگر کسی معروف شناس باشد، حقیقت آن را در ولی امر در می‌یابد. همان‌طور که شناسنده عدل و احسان، عدل و احسان را در سنت و سریره و سیره امام

مشاهده می کند و در می یابد که او صاحب مقام ولایت است.



*والا ترین راه شناخت امام عصر (عج)

انسان برای باریافتن به شناخت خداوند، گاه از نشانه های آفاقی و گاه از آیات انفسی بهره می برد و در مرتبه ای دیگر بر اساس اعرفا الله بالله ۱۵، بک عرفتک و أنت دللتنی علیک ۱۶، یا من دلّ علی ذاته بذاته ۱۷ خداوند را از راه وجود مبارکش می شناسد و شاهدانه در می یابد که ﴿أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾. ۱۸ چنین کسی به آنان که در پی آیات آفاقی و انفسی اند به زبان حال می گوید که چرا ذات حق را غائب می پندارید و با جست و جو در آفاق و انفس، راهی به سوی او می جویید، در حالی که پیش از آن دو، خدا مشهود شماست. ابتدا فرمود: ﴿سَنُرِيهِمْ

ءَايْتِنَا فِي الْاَافَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ ﴿

۱۹؛ آن گاه کفایت خداوند برای شناختش و بی نیازی از

آیات آفاقی و انفسی را در این باره یاد آور شد: ﴿اَوْ لَمْ

يَكْفِ بِرَبِّكَ﴾ ۲۰ و سپس دلیل کفایت وجود مبارک

حق را برای شناخت او چنین بیان کرد: ﴿اَنَّهُ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ ۲۱

هرچه را انسان بخواهد مشاهده کند، نخست خدا را

می بیند. قبل از آنکه دلیل، فهم دلیل، بلکه خود را که

مستدل است ادراک کند، خدا را می فهمد. «شاهد» در

آیه یاد شده بر وزن فعلیل و به معنای مفعول است نه

فاعل ۲۲، زیرا اگر فاعل و به معنای شاهد باشد یعنی

خداوند شاهد همه جا و همه چیز است ۲۳، پس به

نشانه های آفاقی و انفسی نیازی ندارد؛ این استدلال

نسبت به مدعای آیه، برهان تمامی نیست، چون ادعای





آیه آن است که شناسنده ذات اقدس حق از نشانه‌های آفاقی و انفسی بی‌نیاز است، بنابراین واژه شهید در آیه باید به معنی مشهود باشد تا برهان بدین‌گونه تمام شود: شما برای شناخت ذات حق به آیات آفاق و انفس نیاز ندارید، زیرا حق در بالاترین مرتبه ظهور و شهود است و اقتضای شدت در این وصف، آن است که قبل از شهود هر چیزی، او مشهود گردد.

خدا که فی الأشياء علی غیرممازجۀ ۲۴ است و حضوری نامتناهی دارد، از آن جهت که ﴿يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾ ۲۵ است، نیاز ندارد او را از بیگانه جویا شویم: ﴿أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾. ۲۶

چنین شناختی سودمندترین شناخت‌ها و برای همگان شدنی است. این راه، همان راه قلب است که پیمودنش به دانستن اصطلاحات فلسفی، کلامی یا درس‌های

حوزوی و دانشگاهی نیاز ندارد و هدایتی همگانی و همیشگی است.



نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین (علیهم السلام)، مظاهر تامّ اسما و صفات ذات اقدس خداوند و بالاترین نشانه‌های اویند و همان گونه که خدای تعالی اصالتاً دارای بالاترین مرتبه ظهور و مشهودیت است، مظاهر تمام‌نمای ذات اقدسش نیز تبعاً از رتبه‌ای پایین‌تر از مشهودیت حق و برتر از غیر او برخوردارند.

طبق آنچه گذشت، بهترین راه شناخت رسول خدا و امامان هدایت، همان راه قلب و فهم شاهدانه الوهیت، نبوّت و امامت است.

۱ الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷؛ من لایحضرہ الفقیہ، ج ۴، ص ۱۷۷

۲ ر.ک: اقبال الاعمال، ص ۲۱۴

۳ الامالی، طوسی، ص ۲۹۷؛ وسائل الشیعہ، ج ۸، ص ۱۰۶

۴ فضائل الأشهر الثلاثة؛ ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۶

۵ الامالی، طوسی، ص ۲۹۷؛ مصباح المتہجد، ص ۷۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۵

۶ الامالی، طوسی، ص ۲۹۷

۷ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۹

۸ البلد الامین، ص ۱۸۳

۹ سورہ حج، آیہ ۳۲





- ۱۰ از وکلای امام حسن عسکری (علیه السلام)
- ۱۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۸۱؛ کفایۃ الاثر، ص ۲۹۶؛
کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۸
- ۱۲ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۱۲
- ۱۳ الکافی، ج ۱، ص ۸۵؛ التوحید، صدوق، ص ۲۸۶
- ۱۴ الکافی، ج ۱، ص ۸۵؛ التوحید، صدوق، ص ۲۸۶
- ۱۵ همان
- ۱۶ اقبال الاعمال، ص ۳۳۵؛ البلد الامین، ص ۲۰۵،
«دعای ابی حمزه ثمالی در سحر»
- ۱۷ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۳۳۹، «نافله فجر»
- ۱۸ سوره فصلّت، آیه ۵۳
- ۱۹ همان
- ۲۰ سوره فصلّت، آیه ۵۳
- ۲۱ همان

۲۲ ر.ک: تفسیر البحر المحیط، ج ۷، ص ۴۸۲؛ مجمع

البيان، ج ۱۰، ص ۳۰

۲۳ التفسیر المنیر، ج ۲۵، ص ۱۵

۲۴ التوحید، صدوق، ص ۳۰۶

۲۵ سورہ انفال، آیہ ۲۴

۲۶ سورہ فصلت، آیہ ۵۳.

پایگاہ حوزہ نت

